



### مقدمه

انسان، به حکم فطرت خود، تشنه‌ی دانستن و شناخت است و همواره می‌خواهد بداند، بشناسد و پدیده‌ها را تفسیر کند. در این راستا اکثر پدران و مادران تمایل دارند هر وقت فرصت کردند درباره‌ی نقش‌ها و وظایف خود بیشتر آگاه شوند و درباره‌ی تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندانشان به تفکر بپردازند. بدیهی است فرزندآوری، اختیاری است، اما فرزندپروری الزامی است و شناخت، لازمه‌ی هر حرکت هدفمند و جهت‌دار است. در این راستا، تنها سرمایه‌ی ارزشمند انسان، قدرت اندیشیدن و تفکر اوست که می‌تواند تحول ایجاد کند و انسان را تولدی تازه بخشد (افروز، ۱۳۹۰).

شناخت به معنای آگاهی است و قرآن مجید صریحاً به ما می‌فرماید: از آنچه بدان علم و آگاهی نداری، پیروی مکن (سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۶). همچنین در روایات ائمه معصومین (ع) علم و دانش به عنوان غذای روح معرفی شده است. در نگاه اسلام، مرزی برای علم و شناخت وجود ندارد، به طوری که خداوند به حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: و بگو پروردگارا بر علم من بیفزای (سوره طه، آیه‌ی ۱۱۴). درباره‌ی شناخت، می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون سخن گفت، اما در این مقاله، بیشتر از منظر تعلیم و تربیت بحث می‌شود.

شناخت، مانند هر پدیده‌ی دیگری ایجاد می‌شود، رشد می‌کند، متحول، عمیق و گسترده می‌شود. شناخت، کلید موفقیت و راز تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت است. همچنین شناخت، وسیله‌ای است برای افزایش کارایی و خلاقیت همه‌ی پدران و مادران به منظور اثربخشی و تأثیرگذاری بیشتر بر فرزندان و نیز پیشگیری از بروز ناهنجاری‌ها.

## وادی‌های شناخت: توانایی در دانایی است

دکتر احمد به‌پژوه - استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران

### چند سؤال

- آیا شما به عنوان پدر یا مادر می‌دانید چگونه می‌توان پدر و مادر موفق‌تری شد؟
- آیا شما به عنوان پدر یا مادر به نقش‌ها و وظایف خود آگاهی دارید؟
- آیا شما به عنوان پدر یا مادر باور دارید که توانا بود هر که دانا بود؟
- آیا شما به عنوان پدر یا مادر با هدف‌های تعلیم و تربیت آشنایی دارید؟

حاضر رسیده است. از این رو، عوامل موثر بر رشد انسان و علت‌های بروز ناهنجاری‌های عاطفی و رفتاری را باید در گستره‌ی حیات (از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات) مورد مطالعه قرار داد و علت‌ها فقط به امروز و دیروز مربوط و محدود نمی‌شود.

## وادی سوم: هدف‌های تعلیم و تربیت کدام است؟

سومین وادی مهم شناخت این است که بدانیم تعلیم و تربیت چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند؟ زیرا امام جعفر صادق (ع) فرموده است: "کسی که بدون بصیرت، اقدام به عملی کند، مانند پوینده‌ای است که به بی‌راهه می‌رود، هر قدر سریع‌تر حرکت کند، از هدف دورتر می‌شود." (العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سر عه السیر الا بعداً، اصول کافی، جلد اول، ص ۵۴). به اختصار اشاره می‌شود که مهم‌ترین هدف‌های تعلیم و تربیت عبارتند از:

- انسان‌سازی و کسب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی.
- رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه به طور همه‌جانبه.
- حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی.
- آماده‌سازی کودک برای زندگی در دنیای واقعی.
- مستقل‌سازی و قادرسازی برای رفع نیازها.

شایان ذکر است که در جهان هستی، هر حرکتی و هر اقدامی هدفمند است. لذا در هر فعالیتی، هدف شناسی و هدف‌گرایی مهم‌ترین مرحله محسوب می‌شود. در غیر این صورت؛ گمراهی و ابهام و سردرگمی به بار خواهد آمد و پدر و مادر بی‌هدف و خانواده‌ی بی‌هدف، چون کشتی سرگردان است. به نظر می‌رسد نهاد مقدس خانواده نقش اساسی را به عهده دارد و سعادت انسان وابسته به سلامت و هدفمندی خانواده است.

گاهی ملاحظه می‌شود برخی از پدران و مادران هدف‌های تعلیم و تربیت را به خوبی نمی‌دانند و باری به هر جهت عمل می‌کنند. بدیهی است زمانی که به هدف‌های تعلیم و تربیت توجه نداریم، به سراغ روش‌های نادرست و نامناسب می‌رویم. نمی‌دانیم به کجا می‌رویم؟ چه کار می‌کنیم؟ و چگونه محصولی می‌خواهیم؟ بدیهی است تا مادامی که هدف‌های تعلیم و تربیت را به خوبی نشناسیم، ابزار و روش مناسب را نمی‌توانیم به کار بگیریم. در این بخش، هدف‌های غایی و عمده‌ی تعلیم و تربیت به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

هدف اول؛ انسان‌سازی و کسب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی: نکته‌ی نخست این است که ما انسان نیستیم، بلکه انسان می‌شویم و تمام فعالیت‌ها و اقدامات باید موجب شود آدم بشویم؛ درس می‌خوانیم که آدم بشویم.

شناخت، مانند هر پدیده‌ی دیگری ایجاد می‌شود، رشد می‌کند، متحول، عمیق و گسترده می‌شود. شناخت، کلید موفقیت و راز تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت است. همچنین شناخت، وسیله‌ای است برای افزایش کارایی و خلاقیت همی پدران و مادران به منظور اثربخشی و تاثیرگذاری بیشتر بر فرزندان و نیز پیشگیری از بروز ناهنجاری‌ها.

زمانی که رفتار انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، ملاحظه می‌شود که عامل شناخت بر فرایند تعلیم و تربیت تأثیر می‌گذارد. پیش از هر سخنی، به سخنان گهربار و زیبایی مولا علی (ع) اشاره می‌شود: "بر تو یاد بر اندیشیدن، زیرا که اندیشیدن موجب هدایت فرد از گمراهی می‌شود و اصلاح‌کننده اعمال از تباهی است" (عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِّنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ). تعابیر زیبایی که بارها در قرآن مجید آمده است و خداوند حکیم و علیم ما را دعوت به تفکر، تعقل و تدبیر درباره‌ی امور گوناگون می‌فرماید (مانند، أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ، أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ). برای مثال: در سوره‌ی محمد (ص) آیه‌ی ۲۴ خداوند می‌فرماید: "یا ایه‌ی آيات قرآن نمی‌اندیشند؟ مگر بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟" در ادامه‌ی بعضی از آیات آمده است برای خردمندان شانیهایی (قانع‌کننده) است (آیات لا ولی الا کتاب، سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹۰؛ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۰۰)

یکی از ابزارهای شناخت، سؤال کردن است و به طور معمول والدین پرسش‌های متعددی درباره‌ی تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان خود مطرح می‌کنند که ضرورت دارد به آنها پاسخ مناسب داده شود. از این رو، در این مقاله چندین سؤال مطرح شده و پدران و مادران به اندیشیدن پیرامون آنها دعوت شده‌اند.

## وادی اول: انسان چیست و کیست؟

روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، با مخاطب و موضوع مورد مطالعه‌ی روبرو هستند به نام انسان. شناخت انسان، امری بسیار ظریف، پیچیده و عمیق است. انسانی که از چندین بعد برخوردار است و تمام ابعاد او در فرایند تعلیم و تربیت بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. وادی اول شناخت این است که همه اولیا، معلمان و مربیان باید شناخت درستی از انسان داشته باشند و بدانند انسان چیست و کیست؟ از دو دیدگاه یکی از دیدگاه اعتقادی و دیگری از دیدگاه روان‌شناختی. زمانی که حضرت حق در قرآن مجید می‌فرماید انسان را بر بسیاری از مخلوقات، برتری بخشیده و گرامی داشته است (سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۰) یا به انسان، روح‌خدایی دمیده شده است (سوره‌ی صاء، آیه‌ی ۷۱)، یعنی چه؟ در وادی اول شناخت، ضرورت دارد شناخت درستی از کودک و انسان داشته باشیم تا سپس بتوانیم گام‌های بعدی را درست برداریم (رجوع کنید به بیوست دوم کتاب اصول برقراری رابطه‌ی انسانی با کودک و نوجوان تحت عنوان انسان کیست و چیست؟ به پژوه، ۱۳۹۲).

## وادی دوم: تعلیم و تربیت چیست؟

دومین وادی شناخت که بسیار اهمیت دارد، این است که پدر و مادر به عنوان اصحاب تعلیم و تربیت باید بدانند تعلیم و تربیت چیست؟ هر پدر و هر مادری و هر معلمی برای ایفای نقش خود باید تعریف و برداشت درستی از تعلیم و تربیت داشته باشد. در این ارتباط، مکاتب گوناگون و دیدگاه‌های فلسفی متفاوتی وجود دارد. در این بخش تعریفی از تعلیم و تربیت ارائه می‌شود و امید است مورد توجه قرار گیرد. به نظر اینجانب تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعه‌ی تلاش‌ها، فرصت‌ها، امکانات، اقدام‌ها و برنامه‌ها (رسمی و غیر رسمی؛ مستقیم و غیر مستقیم) از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات برای رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه‌ی فرد؛ به طور همه‌جانبه تا رسیدن به حداکثر ظرفیت (کمال) (به پژوه، ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۲). بدون شک، تمام اجزاء و عناصر این تعریف قابل تأمل و قابل بحث است. این گونه نیست که کودکی همین طور و بر حسب تصادف سالم و صالح می‌شود و یا این طور نیست که کودکی یک شبه و ناگهانی دچار لجبازی، ناخن جویدن و شب‌ادراری شده باشد، یا نوجوانی یک‌روزه دچار وسواس، پرخاشگری، بزهکاری، اعتیاد و خودکشی شود. بلکه فرایندی پرنشیب و فراز در کار است که از بدو انعقاد نطفه شروع شده و به زمان



این موضوعی است که در فرهنگ ما بارها به آن اشاره شده است که "ملاً شدن چه آسان، آدم شدن محال است و یادشوار است". برای مثال، اگر کسی دکترای فیزیک بگیرد یا دکترای ریاضی بگیرد، اما آدم نشود، چه خواهید گفت؟! این که به دنبال چه محصولی هستیم، امر بسیار مهمی است؛ بدو، بدو، بنویس، بخوان، مسأله حل کن، ورزش کن، نقاشی بکش، خوش خطی بکن، که چه بشود؟! خداوند متعال در سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳، در ارتباط با این هدف فرموده است: "در حقیقت، گرمی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست." (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ). خداوند سبحان می‌توانست معیار دیگری بدهد، ولی می‌فرماید با تقواترین شما نزد من گرمی‌ترین است.

در تاریخ برنامه‌ریزی درسی تاکنون چندین مرحله طی شده است. زمانی تکیه روی کودک بود (کودک‌مداری)، یعنی برنامه‌های درسی باید مبتنی بر کودک باشد. زمانی می‌گفتند موضوع مداری، یک روزی می‌گفتند معلم‌مداری و اخیراً گفته شد مدرسه محوری و سر انجام امروز به این باور رسیده‌اند، به هدف‌مداری و اکنون می‌گویند برنامه‌ریزی مبتنی بر محصول (Product-based Curriculum).

این نگاه مبتنی بر این است که بعد از بیست سال یا بعد از سی سال به چه محصولی و با چه ویژگی‌هایی می‌خواهیم برسیم؟ اگر پدران و مادران، برنامه‌ریزان و مسؤولان نظام آموزشی، هدف‌ها را مشخص کنند، بشناسند و در برنامه‌ریزی‌ها به آنها توجه و عمل کنند، خیلی از مسائل جامعه‌ی ما حل می‌شود. در حال حاضر فشارهای درسی که توسط خانه و مدرسه و جامعه به کودکان و نوجوانان وارد می‌شود، طراوت و شادابی آن‌ها را از بین برده است. دلیل عمده‌ی این وضعیت، این است که مادران، پدران، مدیران و معلمان هدف‌ها را نمی‌شناسند و به هدف‌ها توجه ندارند. برخی از مادران و پدران حاضرند به هر قیمتی که شده، فرزندشان درس بخواند، دیپلم بگیرد و وارد دانشگاه شود؛ اما اگر فرزندشان دچار مشکل روانی بشود و یا از زندگی چیزی نفهمد، مهم نیست! به نظر اینجانب این انحرافی است که در جامعه‌ی ما، به ویژه در نظام آموزشی ما رخ داده است و هم‌همی مامسئول هستیم این باورهای نادرست را اصلاح کنیم.

هدف دوم؛ رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه، به طور همه‌جانبه: هدف دوم تعلیم و تربیت، رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه‌ی فرد به طور همه‌جانبه است، زیرا که در تعلیم و تربیت اسلامی، هدف مهم پرورش انسان‌های رشید است. انسان رشید کیست؟ کسی است که در تمام ابعاد رشد یافته است؛ رشد جسمانی، رشد عاطفی، رشد شناختی، رشد معنوی و رشد اجتماعی. پدران و مادران، معلمان و مربیان تا چه حد به رشد همه‌جانبه‌ی فرزندان و دانش‌آموزان خود توجه دارند؟

هدف سوم؛ حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی: هدف سوم تعلیم و تربیت، حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزندان است. در فرایند تعلیم و تربیت، ما وظیفه داریم به این سؤال مهم پاسخ دهیم که چقدر به حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزندان و دانش‌آموزان توجه داریم؟ آیا به نیازهای جسمانی آنان، همان قدر توجه داریم که به نیازهای روانی؟

هدف چهارم؛ آماده‌سازی کودک برای زندگی در دنیای واقعی: در ارتباط با این هدف، حضرت علی (ع) می‌فرماید: "فرزند زمان خویش باش." همچنین ایشان فرموده‌اند که "فرزندان خود را برای زمانی غیر از زمان خودتان تربیت کنید." این سخنان گهربار بیانگر این است که آیا موختن ما برای زیستن ماست؟

(Learning for Living) یعنی این که بازگردیم و نگاهی کنیم به آنچه پیش از دانشگاه و بعد از دانشگاه یاد می‌دهیم و یاد می‌گیریم و از خودمان سؤال کنیم آنچه را که به ما یاد می‌دهند و یا آنچه را که ما یاد می‌گیریم تا چه میزان برای بهتر زیستن ما مفید است؟ در خانواده و در نظام آموزشی، تا چه میزان درس زندگی و درس بهزیستی به فرزندان خود یاد می‌دهیم؟ از امام جعفر صادق (ع) سؤال شد که ما به فرزندانمان چه آموزش بدهیم؟ حضرت پاسخی دادند که برای قرون و اعصار معنادارند؛ فرمودند: "آنچه که نیاز زمان است." هدف پنجم؛ مستقل‌سازی و قادر‌سازی برای رفع نیازها: اساساً انسان، ضعیف‌ترین و وابسته‌ترین موجودات است. از این رو، با تعلیم و تربیت می‌خواهیم تا جایی که مقدور است انسان را به موجودی قوی و مستقل تبدیل کنیم. بنابراین خانواده، به ویژه خانواده‌های دارای فرزندان، با نیازهای ویژه و نظام آموزش و پرورش ویژه باید تلاش کنند این کودکان و دانش‌آموزان به آموزش‌های مناسب و لازم دست یابند تا خود به رفع نیازهایشان بپردازند و در نتیجه به تدریج تارهای وابستگی‌شان قطع شود و به سوی استقلال نسبی قدم بردارند.

می‌خوانید یا این مسئله را چگونه حل می‌کنید؟"

در برخورد با کودک پیش‌داوری نکنید و از قبل نگوید "من می‌دانم اشتباهت در چیست؟". یادتان باشد، انسان تا اشتباه نکند، یاد نمی‌گیرد. البته به او کمک کنید که اشتباه‌هایش تکرار نشوند.

- سعی کنید به طور منظم با مدرسه و معلم فرزندتان در تماس باشید و در صورت امکان با هماهنگی قبلی، گاهی از مدرسه و کلاس فرزندتان بازدید کنید. در کلاس او حضور یابید و با مدرسه همکاری نزدیک داشته باشید.

- سعی کنید در جلسه‌های آموزش خانواده شرکت کنید و با مشاور و روان‌شناس مدرسه‌ی فرزندتان و افراد متخصص به مشورت بپردازید.

- سعی کنید کتاب‌ها و نشریات مربوط به روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کودک را مورد مطالعه قرار دهید (برای مثال، نشریه‌ی پیوند، نشریه‌ی تربیت، رشد معلم، ماهنامه‌ی تعلیم و تربیت استثنایی، فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت و رشد تکنولوژی آموزشی).

- سعی کنید فرزندتان را با روش‌های یادگیری، روش‌های مطالعه، روش‌های درس خواندن و یادداشت‌برداری آشنا کنید. در حال حاضر اصل "یاد بگیریم، چگونه یاد بگیریم" مورد تأکید خاص روان‌شناسان تربیتی است.

- سعی کنید با کمک افراد متخصص، مانند روان‌شناس و مشاور، هر چه زودتر وضعیت جسمانی و روانی فرزندتان را بررسی کنید و از وجود احتمالی نارسایی‌ها و آسیب‌ها مطلع شوید. با آن‌ها درباره‌ی علت‌شناسی و روش‌های درمان و اصلاح رفتار فرزندتان مشورت کنید. برای مثال، با مراجعه به شنوایی‌سنج و بینایی‌سنج از نظر سلامت و وضعیت شنوایی و بینایی فرزندتان اطمینان حاصل نمایید.

- یادتان باشد که مهم‌ترین روش تأثیرگذاری در تعلیم و تربیت و نفوذ بر فرزندان، برقراری رابطه‌ی انسانی با کودک و نوجوان است (به‌پژوه، ۱۳۹۲).

### سخن‌پایانی

امروزه، در عصر دانایی، تربیت عقلانی و معنوی اساس تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد و هیچ موهبتی به اندازه‌ی موهبت عقلانیت و معنویت ارزش حیاتی ندارد. شناخت، عقلانیت و معنویت در زندگی خانوادگی راه سعادت‌مند شدن را هموار می‌کند و به‌طور اعم موجب می‌شود پدر و مادر راه رشد و تکامل خود و فرزندانش را به خوبی طی کنند و با مشکلات به‌درستی روبه‌رو شوند و مقابله نمایند. از این‌رو، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: "دانایی سرآمد همه‌ی خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه‌ی بدی‌هاست" (العلم رأس کل خیر و الجهل رأس کل شر هدايت العلم، جلد ۲، صفحه ۹۹۴). همچنین حضرت علی (ع) به کمیل فرموده‌است: "ای کمیل هیچ حرکت و کاری پیش نخواهد رفت، جز اینکه در آن شناخت لازم را داشته باشی" (تحف العقول، صفحه‌ی ۱۱۹).

### منابع

- قرآن مجید
- نهج‌البلاغه
- اصول کافی
- تحف‌العقول
- هدايت‌العلم
- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶). اصول تربیت (چاپ ششم). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- افروز، غلامعلی (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی (چاپ بیست و هفتم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۶۰). کودکان چگونه رفتار می‌کنند؟ (پوستر آموزشی). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۲). اصول برقراری رابطه‌ی انسانی با کودک و نوجوان (چاپ نهم). تهران: نشر دانژه.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۱). خانواده و کودکان با نیازهای ویژه. تهران: انتشارات آوای نور.
- کوپر، هریس (۲۰۰۱). چالش مشق شب: راهنمای مدیران، معلمان، مادران و پدران (چاپ دوم). ترجمه‌ی احمد به‌پژوه و فریده نوری (۱۳۸۷). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

### وادی چهارم: اصول تعلیم و تربیت

اصل، عبارت است از بنیان، اساس و پایه‌ی هر پدیده‌ای که موجب پدید آمدن یک کل واحد می‌شود. در تعلیم و تربیت اصولی هستند که تکیه‌گاه اصلی هر گونه اقدام تربیتی قلمداد می‌شوند. برای مثال، زمانی که از اصل تفاوت‌های فردی یاد می‌کنیم، باید رگه‌های این اصل را در برنامه‌ریزی‌ها، برخوردها و اقدامات تربیتی مشاهده کنیم (احمدی، ۱۳۸۶). از این‌رو، ضرورت دارد پدران و مادران به‌طور اعم با اصول تربیتی آشنا باشند. برخی از این اصول عبارتند از: اصل دانایی، اصل آشنا سازی کودک با واقعیت‌ها، اصل برقراری رابطه‌ی انسانی، اصل اعتدال، اصل اهمیت بازی، اصل برخورد مثبت، اصل مستقل‌سازی کودک، اصل هماهنگی عوامل تربیتی و نظایر آن (رجوع کنید به کتاب اصول برقراری رابطه‌ی انسانی با کودک و نوجوان، به‌پژوه، ۱۳۹۲).

### وادی پنجم: روش‌ها و ابزار

در وادی پنجم شناخت، با توجه به وادی‌های قبلی، روش‌ها، مواد، وسایل، امکانات و ابزار مناسب جهت تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت به کار گرفته می‌شود. شایان ذکر است که اکثر امور نقش وسیله‌ای دارند؛ از این‌رو، باید همواره به هدف‌ها توجه داشت.

### چند توصیه به والدین

- یکی از مهم‌ترین سؤال‌هایی که هر پدر یا مادری باید از خود پرسد این است که هدف از مدرسه رفتن و درس خواندن چیست؟ آیا تنها راه سعادت‌مند شدن فرزندم فقط درس خواندن است؟ درس خواندن فرزندم، به چه قیمتی؟! اگر فرزند من نتوانست درس بخواند، با او چه برخوردی باید داشته باشم؟ سلامت روانی و جسمانی فرزند من مهم‌تر است یا درس خواندن و ادامه‌ی تحصیل او؟

- سعی کنید به تدریج تارهای وابستگی فرزندتان را قطع کنید. از این‌رو، پدر و مادر نباید کودک را به خود وابسته کنند و به جای او فکر کنند و به جای او عمل نمایند. به کودک کمک کنید تا خود معلم خود شود و به خود آموزش دهد و خود را تصحیح کند (فرایند فرانشاخت). برای مثال، اگر کودکی نداند که تکرار مطالب، به یادآوری آن مطالب کمک می‌کند، از راهبرد تکرار و تمرین استفاده نخواهد کرد.

- پدر و مادر نباید همیشه به کمک کودک بشتابند و او را از تجربه کردن منع کنند. بلکه باید به کودک اجازه دهند تا خود تلاش کند و مسئله‌اش را حل کند و مسئولیت اعمالش را بپذیرد.

- گاهی اوقات کودک سؤال می‌کند: "معنای این کلمه چیست؟" یا "این مسئله چگونه حل می‌شود؟" در پاسخ با مهربانی باید گفت: "پسرم یا دخترم خودت چی فکر می‌کنی؟ خودت فکر کن!" و او را دعوت به فکر کردن کنید.

- سعی کنید فرزندتان را درگیر فعالیت‌های جالب کنید و از تمرین‌های بدون هدف و خسته‌کننده پرهیز نمایید. بدیهی است تمرین باید متنوع، هدف‌دار، عینی، واقعی، به قدر کافی، منظم و شاد باشد (رجوع کنید به پیش‌گفتار کتاب چالش مشق شب: راهنمای مدیران، معلمان، مادران و پدران تحت عنوان شرایط و ویژگی‌های تمرین و مشق، کوپر، ۲۰۰۱، ترجمه‌ی به‌پژوه و نوری، ۱۳۸۷).

- سعی کنید رفتارهای مطلوب فرزندتان را به روش‌های گوناگون تشویق کنید و پاسخ‌های درست او را تقویت نمایید.

- پدر و مادر باید بدانند که شناسایی و پرورش استعدادها و توانایی‌های کودک همان قدر مهم است که شناسایی محدودیت‌ها و ناتوانی‌های او.

- در ارتباط با فرزند خود، مانند بازرسان عمل نکنید. بلکه به سادگی به او بگویید: "من می‌خواهم به شما کمک کنم و می‌خواهم بدانم شما این متن را چگونه